

شیطان و غالی‌گری

در دو نوشتار قبل درباره مفهوم غلو و غالی بحث شد. غلو به معنای از حد فرد تجاوز کردن است و غالی کسی است که مرتکب افراط شود...



در دو نوشتار قبل درباره مفهوم غلو و غالی بحث شد. غلو به معنای از حد فرد تجاوز کردن است و غالی کسی است که مرتکب افراط شود.

در نوشتار قبل یکی از سردمداران غلو معرفی شد. عبدالله بن سبا (اگر واقعاً چنین شخصی وجود داشته است) یکی از این افراد است. به نظر می‌رسد این فرد با ساختن مطالب جعلی درباره اسلام و پیامبر می‌خواستند تحت لوای مسلمانی به اسلام و مسلمین ضربه بزنند. با این حال باید میان غالی و مقصر تفاوت قائل شد. امام صادق (ع) فرمودند: فرزندان و جوانان خود را از معاشرت با غلات بر حذر دارید چون غالبان موجب فساد عقیده آنان می‌شوند. به درستی که غلات از بدترین خلق خدا هستند، چون عظمت خدای سبحان را کوچک می‌شمارند و برای بندگان خدا ادعای خدایی می‌کنند.

سپس فرمودند: غالی اگر به سویی ما برگردد او را قبول نمی‌کنیم ولی مقصر اگر به ما ملحق شود او را می‌پذیریم. از امام سؤال شد تفاوت این دو در چیست؟ فرمودند: شخص غالی وقتی به ترک نماز، روزه، زکات و حج عادت کرد هرگز قدرت ترک عادت خود را ندارد و به طاعت خدا رجوع نمی‌کند ولی مقصر زمانی که حق را از باطل شناخت، عمل می‌کند و اطاعت می‌کند (بحارالانوار، ج 25، ص 265، ص 6).

در واقع غالی کسی است که با اندیشه‌هایی پوچ در مقالات یا در سخنرانی‌های خود، پیروانی پیدا می‌کند و آن را گسترش می‌دهد تا جایی که برخی از آنان معتقد بودند که نماز 2 رکعت بود که آن را هم علی (ع) خواند و ما دیگر نیازی به خواندن نماز نداریم. یا حتی گروهی پا را فراتر گذاشتند و گفتند علی (ع) نعوذ بالله خداست. اگر علی (ع) نعوذ بالله خدا بود، پس چرا او را در محراب و هنگام نماز به شهادت رساندند؟ چنین کسانی در همان عصر اول اسلام نیز بوده‌اند و خود مولای متقیان نیز با برخی از آنان برخورد شدیدی داشته‌اند. این افکار چیزهای جز افکار شیطانی نیست و شیطان در این مسیر، افراد بسیاری را گمراه کرده است. شیطان گاه از طریق معنویات افراد را به هلاکت می‌کشاند و باید در هر حالی به خدا توکل کرد و از او مدد خواست.

آنچه از مجموع روایات درباره غلو و غالبان برداشت می‌شود این است که اگر انسان در مسیری که خداوند تعیین کرده است برای کمال الهی حرکت کند و پایش را به اندازه یک میلی‌متر از این مسیر بیرون نگذارد؛ به مصداق حدیث یونس بن ظبیان همه حقایق برای او به وضوح روشن می‌شود. اما اگر بخواهد در مسیر الهی حرکتی گستاخانه انجام دهد و سلوکی در تاریکی داشته باشد، می‌توان گفت این حرکت، مکاشفه شیطانی است و ریاضت برای خدا نبوده و بی‌فایده است.

این ره که تو می‌روی به ترکستان است

اما شیعیان در رابطه با غلو چه وظیفه‌ای دارند؟ ابتدا باید این نکته را روشن کرد که شیعیان در هر عصری و ظایف مختص به آن عصر را دارند. گاه در عصری وظیفه شیعیان تقیه است و در عصری دیگر، تبلیغ پنهانی و در عصری دیگر قیام و زمانی دیگر صلح و زمانی نیز وظیفه آنان انتظار است. البته انتظار، خود زیرمجموعه‌هایی دارد مانند شناخت، یاد، محبت، خودسازی، استقامت و نظایر آن. در نوشتار بعد درباره این نکته بحث خواهد شد.

همشهری آنلاین - حجت‌الاسلام یاسر ولایی